

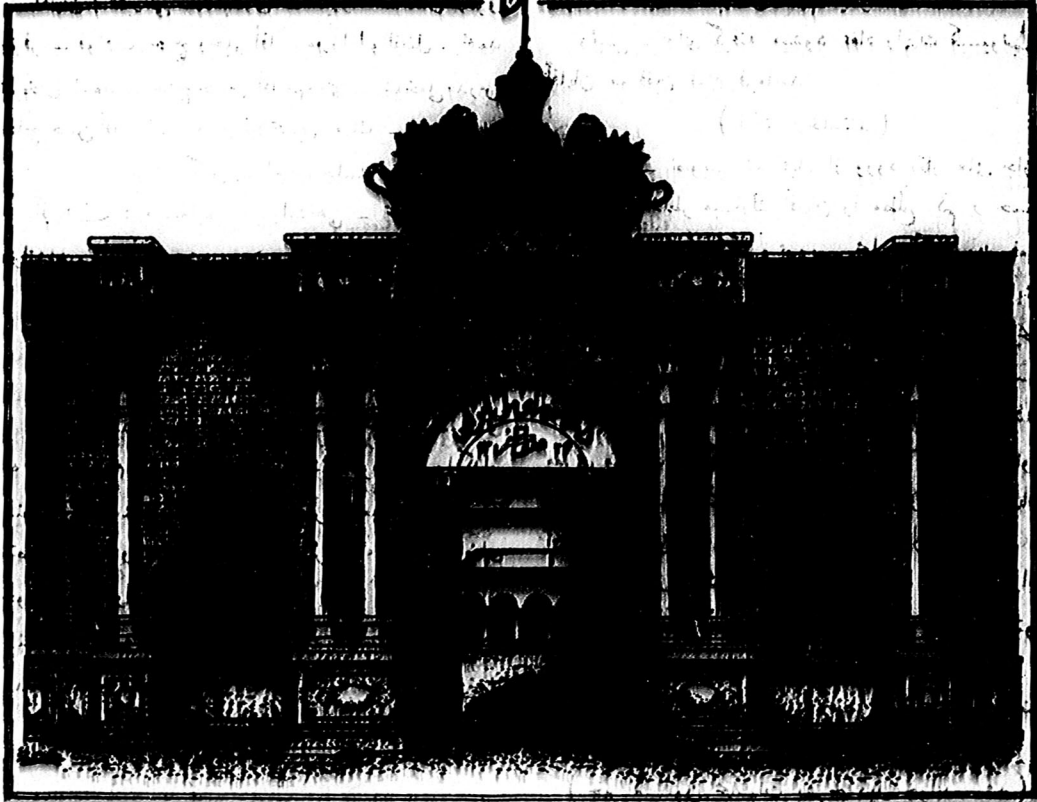


دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۴۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۴۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۵ ذی القعدة ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك قران</p>

فهرست مدارجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	صوبہ مرخصی آقاخان مہدوی و امیر اعلم	۷۰۴	
۲	مذاکرات نسبت بجزر کہسیون محاسبات در خصوص تمدید استخدام مسیو ماریو متخصص		
	کاغذ سازی و صوبہ آن	۷۰۶	۷۰۴
۳	صوبہ اعتبار چہہ ساختمان خیابانها	۷۰۷	۷۱۰
۴	چہہ خرید سلك و اونیہ محاسن نظمہ	۷۱۲	۷۱۰
۵	قانون اعتبار پازدہ ہزار تومان چہہ خرید سلك و اونیہ محاسن نظمہ		
۶	دوست و چہل ہزار تومان چہہ ساختمان خیابانها		
۷	تمدید استخدام ماریو رویدا متخصص کاغذسازی	۷۱۴	



مذاکرات مجلس

دوره ہفتم تقنینیہ

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبہ ۱۵ اردیبہشت ماہ ۱۳۰۸ مطابق ۲۵ ذقعدہ ۱۳۴۷

جلسہ ۴۴

(مجلس یکساعت و سہ ربع قبل از ظہور بریاست
 آقای دادگر تشکیل کردند)
 (صورت مجلس یوم سہ شنبہ دہم اردیبہشت را آقای
 مؤید احمدی قرائت نمودند)
 غائبین با اجازه جلسہ قبل
 آقاخان: نوبخت - عبدالحسین خان دبیر - امیر ابراہیمی
 دہستانی - محمدادی - آشتیانی - ہراز - حبیبی - طباطبائی
 وکلی - طالب خان - حاج سید محمود - تیمورتاش

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: ...

مقرر - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - محمد

میرزا اسعد - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس

حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - ...

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... در وقت ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

... آقایان: ...

از این قبیل چیزها خیلی مجلس بیاید چون اینها بگانه

چیزی است که بعد ما میخوانیم حیات خودمان را ادامه

دهیم و الا اگر تمام چیزهایش از خسارچ

بیاید این ملت نمیتواند احتیاج خودش را رفع کند و ما

انتظار داریم از این قبیل لواح خیلی به مجلس بیاید

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - کلیه این پیشنهادی که از طرف

اداره مباشرت تقدیم شد بر حسب موافقت آقای وزیرمالیه

در کمیسیون مخصوص کارخانه کاغذ سازی بعمل آمد در

آنجا هم مذاکرات يك ماه شد یعنی بکماه از این تاریخ

بیاید آقای وزیرمالیه لازم دانستند که این شخص استخدام

شود که اینجا ماند تا مطالعات دقیقتر که در اصل مسائل

لازم است بعمل بیاید از طرف اداره مباشرت تا این

شخص داخل مذاکره شدیم ولی حاضرشد و اظهار داشت

شما در این مدت هر وقت از من تقاضا کردید چندروز

دیگر بمانم ضمناً با من شرط کردید که اگر بنا شد مرا

مجدداً استخدام کنید آنچه من مانده ام جزو خدمت

منظور کنید و صحیح هم میگفت برای اینکه در موقعی

که از طرف مقام ریاست چند مرتبه به اداره مباشرت

تذکر داده شد که این شخص چند روز دیگر بماند و زود

تا تکلیف این کارمین شود این شرطی بود که بین ما و

این شخص قرار داده شده بود که اگر بنا شد مجدداً

استخدام شوند آنچه هم زیادی مانده منظور بشود

بالاخره این شخص راضی شد که يك ماه بماند و هفت

هشت روز اولیه که این شخص برای خودش تهیه تذکره

و چیزهای دیگر دیده بود که روانه شود ما حساب نکردیم

از آنوقت بعد ما خواهش کرده بودیم و آن چندروز را ما حساب

نیاریم. اقصای استخدام این شخص از اول فروردین

بوده و ما آن چند روز را حساب نکرده ایم و باز ما اجازه

مقام ریاست از ۲۵ فروردین که یک ماه باشد و از گذشته

جزو این مدت آوردیم که یک ماه شده است که در اینمدت

توضیحاتی که لازم است از او بخواهیم چون او حاضر

نشد از این جهت موفق نظر بیک ماه و نیم حاصل شد

...

...

...

...

...

شش روز مرخصی نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را

تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد

رئیس - رای گرفته میشود بمقاد رأیت کمیسیون

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

تصویب شد قبل از ورود بکار های جاری

لازم است خاطر مبارک آقایان را مطلع کنم بر حسب

پیشنهاد وزارت عدلیه و تصویب مجلس کمیسیون فعلی

عدلیه مکلف است که قوانین موجود را برای آزمایش

تجربه کند و ضرورت بود که تذکر بدهم چند فقره لوایحی

که بکمیسیون عدلیه قبل ارجاع شده است عبارت است

از لایحه قانونی مجازات مدبوین که اموال شریرا بنام خودشان

مصرف میکنند و دیگر لایحه ابدان دعاری و اصلاح قانون

ثبت اسناد و ...

از محاضر شرم که باید بکمیسیون فعلی ارجاع شود

آقای دکتر سنک پیشنهاد کرده اند که لایحه کنتزات

مسیو رویندا متخصص کار خاله کاغذسازی مقدم بردستور

باشد و وزیر مالیه

وزیر مالیه - چون چیز مختصری است بنده عرضی

ندارم مقصودم تذکر دستور سابق بود

(خبر کمیسیون محاسبات بشرح ذیل خوانده شد)

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

کمیسیون محترم کار خاله کاغذ سازی نتیجه مجلس

مقدس برای تکمیل مطالعات خبر تقدیمی و کسب اطلاعات

لازمه از متخصص کاغذ سازی در نظر گرفته اند که با

تصویب مجلس مقدس بکماه و نیم دیگر کنتزات متخصص

مذکور تجدید شود لهذا احتیازاً ماده واحده ذیل را

تقدیم و استدعای تصویب دارد

ماده واحده - مجلس شورای ملی اداره مباشرت اجازه

میدهد که قرار داد استخدام مسیو مارو رویندا متخصص

کاغذ سازی را از تاریخ بیست و پنجم فروردین ۱۳۰۸

بمدت یکماه و نیم مبلغ هفتصد و پنجاه تومان با رعایت

تمام مقررات قرار داد سابق مشار الیه (باستثنای مخارج

مراجعت که پرداخته شده است) امتداد داده و مبلغ

مذکور از محل سرمایه کاغذ سازی تأمین نماید

...

...

...

در این روزها...
 به آن کمیسیون آن کمیسیون هم بان کمیسیون آنوقت دولت هم بیاید و آن کمیسیون دولت را مأمور کند بالاخره تمام ترتیبات بهم میخورند برای اینکه این ترتیب سابقه نشود آقای ازات هم عرض کردم آقای رئیس هم عرض کردم سابقه و نظامنامه مجلس مقدم بر هر چیز است کمیسیون منتخبه هیچ حق نداشته کمیسیون محاسبات را مأمور کند که راپورت بدهد حالا برای خاطر سابقه نشدن و برای اینکه زودتر این مسئله عملی بشود بنده مخالفی ندارم و فقط برای تذکر این مطلب را بفرمادم مجلس رساندم و تصور نمیکم با این اصلی که بنده عرض کردم کسی مخالف باشد

رئیس - راپورت کمیسیون محاسبات و اداره مباشرت در ماهیت مطلب نیست در واقع تدارک مقدمات است برای کمیسیون محاسبی نفری بنا بر این بنظر بنده خود آقای هم که وقت بفرماید تصدیق میکنم که منظور می باشد

و بر خلاف ترتیب هم نیستی زیرا که با خفا آور خود بمطلب نیست آقای کازرونی...
 کازرونی - موافقم...
 رئیس - مخالفی نیست...
 رئیس - رأی گرفته میشود...
 موافقین - ورقه سفید خواهند داد...
 رئیس - عده حاضرین ۹۳ عاده واحد را جمع باستخدام متخصص کاغذ سازی با هفتاد و هشت رای تصویب شد

اسامی رای دهندگان
 آقایان: فرخی - ایلخان - مؤید احمدی - پورمحمدین - طلوع - خواججوی - اعتبار - جلالی - جمشیدی - کازرونی - اقبال - فاطمی - وهاب زاده - بزرگ نیا - فتوحی - بیات اسدی - مسعود - قراگوزلو - الفت - شربی - حبیبعلی میرزا دولتشاهی - مفتی - بنکدار - عباس میرزا - بالزی - کیا نوری - طاهری - امیر دولتشاهی - شیخ محمد جواد اسکندری - ملک آرائی - دکتر عظیم - علیخان اعظم - محمد علیمیرزا دولتشاهی - میرزا یاسن - زوار - رحیم زاده - مقدم - لاریجانی - کیخسرو شاهرخ - فولادوند ساکینیان - عدل - محمد ولیمیرزا - زهری - ضیاء - ماگوتی - دکتر سنک - دربانی - کلای - بوشهری - کاشانی - آقا زاده سبزواری - استغندیاری - ازیدی - حاج علی اکبر امین - صادقی - مولوی - ملک زاده - خطیبی فرشی - مجد ضیائی - کفائی - فرمند - طهرانی - دیوان بیگی - فهیمی - دکتر لقمان - سیف کاظم زیدی - شریعت زاده - کهنه - ناصری - خلکنت جهانشاهی - باستانی - قاضی نوری - سید مرتضی و قزاق

رئیس - رئیس کمیسیون بودجه راجع به تقاضای اعتبار برای ساختن خیابانها مطرح است
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 رئیس - کمیسیون بودجه لایحه راجعه بتقاضای اعتبار برای ساختن خیابانها را مطرح نموده و پس از مذاکرات لازمه و استماع توضیحات آقای وزیر مالیه ماده واحد ذیل را تصویب و بعرض مجلس میرساند

ماده واحد - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که از محل عوائد تعهد نشده و سرفه جوئیهای بودجه ۱۳۰۷ میلادی مبلغ دو بیست و چهار هزار تومان (۲۰۰۰۰۰ ریال) برای خیابان سازی در وجه بلدییه طهران پرداخت نماید

رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - البته خاطر همه آقایان مسبوق است با این وضعیت انومبیل رانی که در ایران پیش آمد کرده است و معمول شده است لابد باید خیابانها توسعه پیدا کنند چون اگر توسعه پیدا نکنند اسباب زحمت مردم خواهد شد هر چند این انومبیل ها خودش بجهت این مملکت ما که نفت و بنزین نداریم ، لوازم دیگرش را نداریم ضررش از همه چیزها بیشتر است و بعد ها محسوس خواهد شد . حالا چون ما يك شوق و ذوق مغرطی برای اینها داریم میشود این عرایض را کرد ولی بعد ها خود مردم متوجه اینها خواهند شد . در اینجا از طرف بلدییه و وزارت مالیه پیشنهاد شده است که دو بیست و چهار هزار تومان بجهت خرج خیابان سازی پرداخته شود بنده در همه اوجاب از زیادی مخالف بودم ولی در اینجا از کمی مخالفم چرا ؟ بجهت اینکه وقتی حساب میکنم می بینم دو بیست و چهار هزار تومان جهت تعمیر دو خیابان هم کافی نیست . چرا ؟ برای اینکه بقانون عدالت و انصاف هر خانه و مغازه را که میخواهند خراب کنند باید آنرا قیمت کنند بلکه یک نفر معمار از طرف دولت و یک نفر معمار از آن طرف بیایند و قیمت عادلانه کنند و هر قدر قیمت آن شد صاحب آن بدهند به اینکه يك قیمت خیلی

کمی که صاحب آن بتواند تهیه منزل و خانه برای خودش بکند و آن مبلغ کم هم بزودی از دستش برود . بنا بر این خوب بود دولت يك میلیون تعیین کند جهت خیابان سازی جهت دادن پول خانه های مردم یعنی اندازه که ارزش دارد . خوب انصاف نیست . بگردد میخواهند انومبیل رانی کنند يك عده بی خانه و زندگی و سرگردان شوند . هیچ صاحب انصافی صاحب وجدانی صاحب دینی تجوز نمی کند . پس باید پیشنهاد زیاد از این باشد به اندازه که مغازه و خانه و املاک مردم را قیمت عادلانه بخرند و پول آن را بپردازند بعد آن خانه را خراب کنند و امید وارم انشاء الله وضع سابق ذریع بازده قران با کمتر و بیشتر نباشد و آن ترتیب از بین برود و قیمت عادلانه جای آن را بگیرد تا عموم ملت دلتنگ از این وضعیت نشوند امید وارم دولت این را در نظر بگیرند و حالا اگر این دو بیست و چهار هزار تومان را میخواهند بگیرند اما ناظر باشد که این دو بیست و چهار هزار تومان وقتی که اصحابان املاک رسید و خرج خیابانها شد آنوقت مجسداً با صد هزار تومان بخوانند و هر چه قیمت آنها و املاک مردم است بدهند و امید وارم که آن رویه منحوس سابق از بین برود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید ؟
 آقا سید یعقوب - بلی .
 رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - بنده خوشبختانه این لایحه چون در روز سه شنبه جزء دستور بود آقای فیروز آبادی نوشته بودند مخالفم بنده نظر عملیات بلدییه او شده بودم موافقم و بعد رفتم تحقیق کردم مخصوصاً با رئیس ناحیه جنوب شرق که ناصر خان باشد رفتم آنجا صحبت کردم دو خیابان است که بلدییه فعلان تحت نظر گرفته است اصلاح کند یکی خیابان سر چشمه است که میرود تا سر قبر آقا و پائین یکی هم خیابان اسمبیل . راز است از روی تحقیق این را عرض میکنم دیدم قبله ها همی در بغلش است که این قبله ها مهر علمای طهران است جاهلی را که سابقاً

فرعی دو تومان سه تومان بیاوردند خرابه اند بدوهری
 چهار تومان چهار تومان و نیم پنج تومان و گفت این
 جمله مخصوصاً کفیل بلدیه و اولیای بلدیه در این باب
 تمسب کرده اند چون مشغول اصلاح ظرف جنوب
 طهران هستیم و بیشتر فقرا و بیچارگان در طرف جنوب
 واقع شده اند کاملاً در تحت نظر گرفته ایم و خانه هائی
 که صد و پنجاه تومان دوست تومان قیمت داشت ما
 فرعی چهار تومان و نیم پنج تومان خریده ایم که مصالح
 خانه را هم بصاحبش بدهند بنده خیلی خوشحال شدم
 که اگر موافقت میکنم موافقت میکنم با يك چیزی
 که روح و وجدان من موافق با اوست اولاً آما شدن
 طرف سر چشمه و خیابان اسمعیل راز موجب این
 میشود که آن چیزهائی که در دوره پنجم و ششم فریاد
 میزدند که دولت همه توجهش طرف شمال است و جنوب
 نیست این حرفها از بین برداشته شده برای اینکه الان
 بلدیه در نظر گرفته جنوب را هم مثل شمال آباد کند
 در طرف شمال اگر آن ترتیبات را کمتر ملاحظه کرده
 است در طرف جنوب کاملاً ملاحظه کرده است که آن
 خانه هائی که فقرا ساکن هستند قیمت عادلانه بلکه بالاتر
 بانها داده شود پس از این حیث حضرتعالی نگرانی نداشته
 باشید و قیمت عادلانه را هم آقدر نفرمائید چون صد تومان
 قیمت میگذارند میگوید خبر صد و پنجاه تومان میگویند
 صد و پنجاه تومان باز حد بقف ندارد. باین حرفها هم
 شهر ما آباد نمیشود. يك روشی را این کفیل بلدیه و
 اولیای بلدیه ایجاد کرده اند که خوب روشی است و شاید
 در نتیجه این روش شهر ما هم حقیقه مثل شهرهای دنیا
 بشود. پس از این حیث نگرانی نداشته باشید. من بنام
 سعادت ملت از عملیات این بلدیه و پیشرفتهای آن اظهار
 تمکیر میکنم. يك مسئله هم هست که بنده با آقای وزیر
 مالیه صحبت کردم و آن این است که در دوره ششم
 مخالفت انسانی که بنده داشتم يك نکته بود و آن این بود
 که وجه عمومی باید بمصارف عمومی برسد و وجه عمومی
 نباید بمصارف شخصی شود این نکته اساسی در نظر بنده

هست و سابقاً هم پیشنهاد می کردم که خرج بشود
 ولی بقرض بلدیه بگذارند بلدیه طهران يك گرز قرض
 کند از خزانه دولت و قرضش باشد و سال بسال بپردازد
 چون بلدیه يك اداره معتبر و معظّمی است وجه عمومی باید
 صرف عمومی بشود. صرف خصوصی نباید بشود
 رئیس - آقای رفیع
 رفیع - موافقم
 رئیس - آقای باستانی
 باستانی - بنده با اصل این اعتبار موافقم و در کمیسیون
 بودجه هم رای دادم ولی خواستم يك تذکری آقای وزیر
 مالیه بدم و به بینم عقیده شان چیست و در آنچه چه باید
 کرد؟ مرتباً از خزانه مملکت پول دادن و طهران را
 اصلاح کردن و توجهی بلدیه های ولایات نکردن این اصل عادلانه
 نیست طهران با این مغازه ها با این اشیاء لوکس که در
 این شهر بفرش میرسد این انومبیل های لوکس که در
 این شهر حرکت میکنند چرا نباید ما از مغازه هائی
 که پر از اشیاء لوکس است مالیات بگیریم چرا از دهات
 و از دهاقین مالیات بگیریم و بیاوریم و خیابان درست
 کنیم برای گردش و حرکت اتومبیلهای اعیان و اشراف
 این اصل عادلانه و منصفانه نیست این را بنده خواستم
 عرض کنم این اعتبار را ما رای میدهم ولی دولت برود
 فکر کند يك لایحه بیاورد برای بلدیه طهران برای لوله کشی
 طهران برای قضایای صحی بلدیه طهران برای تهیه آکو و
 غیره بالاخره پول زیاد لازم است و این صد هزار تومان
 و دوست هزار تومان کفایت نمیکند شهر وسیع است و
 خیابانها هم زیاد بلدیه طهران هم که حالا دست زده
 است با اصلاحات و اعتبار زیاد میخواهد بهترین راهش
 این است که مالیاتی باین مغازه ها بسته شود اقل از عایدات
 این مغازه ها گرفته شود. اینها اغلب انحصار خارجی
 هستند که استفاده میکنند. کمتر ابرایشان از این معاملات
 اشیاء لوکس استفاده میکنند.
 وزیر مالیه - همینطور که آقای باستانی تفکر میدهند
 البته بنده هم باید تصدیق کنم (چون در اناس و

اصول که نباید اختلاف نظر داشته باشیم) کسه و جوه
 عمومی نباید حتی المقدور بمصارف بلدی برسد. این يك اصلی
 است ما هم با این اصل موافقیم البته اگر نمیتوانیم کاملاً مطابق
 این اصل رفتار کنیم بواسطه این است که هنوز وسائلی
 که لازم است برای رعایت این اصول کاملاً مهیا نشده
 است و البته این هم لازم ملزوم تصدیق اولیه بنده است
 که آن وسائل را باید تهیه کرد. رو بهمرفته در ضمن
 صحبتهاى که آقای باستانی نمایندند محترم و آقای آقا سید
 یعقوب نمایندند محترم فرمودند بعقیده بنده بطور خلاصه
 پرگرام اساسی بلدی را ذکر کردند بنده هم این پرگرام
 را کاملاً صحیح میدانم و عقیده بنده این است که کار
 کسان بلدیه با این نظر موافقت روی همین ترتیب و
 رویه هم يك مطالعه ای تا بحال شده و يك زمینه هائی تا
 بحال حاضر شده و عنقریب در ضمن يك لوابحی بمجلس
 تقدیم خواهد شد. دو اصل را آقایان اظهار فرمودند که
 باید رعایت شود یکی اینکه يك کار هائی بلدیه دارد که
 با این پولهای کم اصلاً شدنی نیست و بنده هم تصدیق می
 کنم که صد هزار تومان و دوست هزار تومان و سیصد
 هزار تومان و پانصد هزار تومان و يك میلیون تومان و
 این جور پولها برای بلدیه شهر طهران کم است برای
 اینکه ما اگر میخواهیم آب مشروب لوله کشی شود خوب
 این یکی از کارهای بلدی و کار مهم بلدی است برای
 اینکه ارتباط پیدا میکند با قسمتهای صحی و قسمتهای
 زندگانی عمومی قضیه لوله کشی برای تقسیم آب در يك
 شهری مثل طهران موضوع بسیار مهمی است که حقیقه
 يك سرمایه عمده لازم دارد. قضیه تهیه کردن مجرا
 برای فاضل آب همینطور يك چیز خیلی اساسی است و
 يك مخارج عمده دارد. چیزهای عمده دیگری هم هست
 که بنده حالا میخواهم وارد جزئیات شوم. این خیابان
 سازی و تسطیح خیابان چون از چیز هائی است که با پول
 های جزئی میشود کرد این است که ما همیشه جاو میاندازیم
 و الا کارهای اساسی و اولیه بلدیه این قبیل چیزهاست
 که آقایان خودشان تصدیق دارند با دوست هزار تومان

و سیصد هزار تومان و يك میلیون تومان نمیشود. همین
 طور که آقایان تذکر دادند دو راه برای رسیدن مقصود
 هست و هر دو را ما تحت مطالعه گرفته ایم یکی از طرق
 این است که بموجب قانون کلی که تنظیم شده و عنقریب
 بمجلس تقدیم خواهد شد ما يك راهی تهیه کنیم برای
 اینکه بشود يك مالیات بلدی باشخاصی که مستقیماً از این
 اصلاحات استفاده میکنند تحمیل کنیم البته بنده آقا
 دیگری که در شهر طهران زندگانی میکنیم و میخواهیم
 متمتع باشیم از این اصلاحات باید علاوه از آن مالیاتی
 که از نقطه نظر مصالح عمومی مملکت میدهم يك چیزی
 هم برای شهر خودمان بدهیم این وظیفه را کرمانشاهانی
 ندارد همدانی ندارد بوشهری برای شهر طهران ندارد او هم
 این وظیفه را برای شهر خودش دارد پس عادلانه ترین
 و صحیح ترین فکری که برای امور بلدی میشود کرد
 این است که اهالی هر شهری مطابق البته استطاعت و
 قدرت خودشان (محل مقایسه هم نیست) روی يك ملاک
 هم نمیشود طهرانی و بوشهری یا طهرانی و همدانی را
 روی هم حساب کرد و تحمیل کرد ولی باید يك اصلی
 ایجاد شود) که مطلق او متناسب اهالی هر شهر
 يك تحمیلانی را قبول بکنند و يك تکمیلی بکنند این
 کار هائی که ما کردیم البته يك عواید خاصی برایمان
 پیدا میشود و یکی از طرق دیگری که همه جای دنیا
 معمول است این است که اگر بلدیه ها يك مخارجی
 دارند که يك سرمایه عمده میخواهد این قبیل عواید
 خاص و عواید شهری خودشان را ممکن است محل استرداد
 و تنظیم يك سرمایه قرار دهند که آن سرمایه را قرض
 کنند عوض اینکه در ده سال پول خورده بگیرند يك
 پولی بگیرند و يك کار خانه مهمی را تأسیس کنند و در
 ظرف هشت سال نه سال از عایدات بلدی وجه آرا
 استهلاک کنند این يك اصلی است که ما می توانیم آرا
 در نظر بگیریم و معمول به همه جای دنیا هم هست ولی
 تصدیق میفرمائید که مقدم راز این پیدا کردن يك
 محلی است برای برداخت آن مخارج یعنی اول باید يك

مجلس تهیه کرد بعد باین عملیات پرداخت البته آقایان موافق نخواهند بود که ما استعراض کنیم و باین مختارچ برسانیم و از مجلس رجوع عمومی این قبیل مختارچ خصوصی را ناپدید کنیم زیرا در این صورت عین همین خواهد شد پس اصولاً بانظر کلی آقایان نمایندگان دولت موافق است مخصوصاً بنده تأیید میکنم نظر آقای باسائی را و عرض میکنم این مساعدت هائی که ما بابلدیه طهران میکنیم يك چیزهای جزئی است و این مقدمات که تهیه شد آنوقت يك تكه های بیشتری باید بشود ولی از محل عوائد خاص که عنقریب لوابخش را میآوریم و آقایان هم با مطالعه آنها را تکمیل خواهند کرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم شدت اعتقاد ما نسبت بدولت ايجاب نمیکند که ما اجازه بدهیم که در اظهار عقیده هم گمان بشود و البته آقایان باین لایحه رای خواهند و بقیه دارم دولت هم شدت لزوم و ضرورت این لایحه را احساس کرده که تقدیم نموده لیکن خوبست آقایان اجازه بدهند که يك حقایقی را هم در اینجا بگوئیم که يك ترتیبی پیش نیاید که اسباب سوء تفاهم برای ولایات بشود و خیال کنند که ما این جا نشسته ایم و بفکر آنها نیستیم

رئیس - رای میکنیم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کله خیابان سازی اضافه شود طهران

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده علتنش را به آقای وزیر مالیه و

به تقاضای اعتبار برای احتیاجات نظمی را مطرح نموده و با موافقت آقای وزیر مالیه مدلول کو لایحه را در ضمن ماده واحده قابل تصویب نموده و بمرکز مجلس میفرستاد

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود مبلغ پانزده هزار تومان از تصرفه جوانی های ۱۳۰۷ نظمی برای مصارف ذیل در وجه اداره نظمیته بپردازد

۱ - برای خرید مسک و مخارج متصدیان آن پنجهزار تومان
۲ - برای آذوقه آتیه محسوس مرکز پنجهزار تومان
۳ - برای امداد مالیاتی محسوس ولایات پنجهزار تومان
جمع پانزده هزار تومان

رئیس - ماده واحده مطرح است - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم مثل همه آقایان عقیده ام این است هر ملکیتی که در مقابل خدمت پاداش و در مقابل خیانت ناشخاصی مجازات داده شود آن مملکت قطعاً رو به آبادی خواهد رفت و آسایش عمومی قطعاً فراهم خواهد شد و مردم آن مملکت راحتی زندگانی خواهند کرد و روز بروز هم مردم در صدد صحت عمل خودشان بر خواهند آمد زیرا صحت عمل را بآلتیجه میدانند و بالعکس اگر خدای نکرده در مملکتی این ترتیبات نباشد آن مملکت روز بخرابی میرود و هر چه اهل آن مملکت بکوشند هیچ فائده ندارد و بنده میگویم چنین مملکتی مجال است که خوب بشود زیرا خوب شدن دلیل میخواید و باید روی يك اصلی باشد اگر هن بدیم در این مملکت دزدی نکردم خیانت نکردم و روز بروز هم رقی کردم البته مملکت هم رقی میکند ولی اگر دینم دزدی نکردم خیانت کردم و با این حال رقی هم کردم قهرماً در مملکت دزدی و خیانت رواج پیدا خواهد کرد و سارق تولید میشود - در چنین مملکتی سارق و وطن فروش تولید خواهد شد

حالا در این زمینه اعتبار پنج هزار تومان برای خرید مسک جهت نظمیته و ده هزار تومان آتیه برای محسوس بنده عقیده ندارم چرا ؟ بجهت اینکه میدانم نظمیته بدون این مسکها هم از عهده وظائف و کارهای خودش بر خواهد

آمد این حرف مگر چه صورتاً عرض نیست این مختارچ به استعمات نیست و بدون اینها خودشان خوب میتوانند از عهده کارشان بر آیند ششونده باید عاقل باشد

(خنده نمایندگان) عرضم این است که ما محتاج بستیم پنجهزار تومان بدهیم و مسک بخریم خوب این مسکها را وقتی که آورند يك اداره هم لازم است برای اینها درست کنیم (خنده نمایندگان) و يك محاسب لازم دارد و قهرماً يك اشخاصی را لازم دارد که زبان و طرز عملیات آنها را بدانند (خنده بعضی از نمایندگان) و همه این حرفها را طبعاً خواهد خواست با همه اینحال تازه گمان میکنم این مسکها بتوانند آن خدماتی را که در اروپا انجام میدهند در اینجا هم بکنند زیرا آب و هوای اینجا با آنجا خیلی فرقی دارد بنده عقیده ام این است وقتی که سارقین دیداد توسط نظمیته با امنیت گرفتار میشوند و بعد هم مجازات میشوند و تیرگی نمیشود البته دیگر دزدی نمیکند ولی اگر دیدند که پس از سرقت و دزدی نظمیته آنها را گرفت و بدست آمدند اما چون اقرار نکردند تیرگی شدند و بی کار خودشان رفتند بدهی است که دزدی خواهد کرد غالباً این دزد ها و سارقین بمنزل خودشان هم نمیروند زیرا منزل ندارند و مطمئنند که در آنجا منزل دارند و غذا میخورند مقصود این است که این جور اشخاص دزدی میکنند اگر گیر افتادند که در نظمیته میروند و منزل میکنند و اگر هم گیر نیفتادند که میروند شهرو (باشهرو نوعی) و در آنجا اموال مسروقه را مصرف می کنند اگر دو مرتبه گیر افتادند باز حاشا می کنند و الحمد لله هم دزد های ما در اینکارها ماهر شده اند و راه انکار را هم خوب بلدند کسی هم جرأت ندارد که آنها توهین و ابداء کند و این ها در واقع تشویق میشوند بنده اهل ده و شهر هر دو هستم و خدا میداند راحتی ندارم در ده سارق گندم را میدزدد و میبرد و وقتی که باو میگویند چرا میبری میگوید مال خودم است و از فلان خرمن مار کرده ام میبرم منزلت با آسیاب میبرم این مال وقتی است که گیر نیفتد اگر هم گیر نیفتد

و بجز عرض کرده ام و قبول هم فرموده اند وزیر مالیه - بنده موافقت میکنم

رئیس - (خطاب به آقای وزیر مالیه) موافقت فرمودید که این کلمه افزوده شود ؟

وزیر مالیه - بله
رئیس - رای گرفته میشود ماده واحده با افزایش کلمه

طهران آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد (در اینموقع اخذ و شمارش آراء بعمل آمده هفتاد و دو ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین نود و چهار - دوست و چهل هزار تومان اعتبار بلدیه و ماده واحده تصویب شد

اساسی رای دهندگان

آقایان: مصباح فاطمی - مهتی - وهاب زاده - طاهری شریعت زاده - شریفی - عامری - سید کاظم بزدی - دهستانی - خطیبی - الفت - اسکندری - بیات ما کوهی فهیمی - شیخ محمد جواد - ناصری - خواجوی - حکمت طهرانی - ملک آرائی - طلوع - دکتر سنک - کازرونی افسر - علیخان اعظم - محمد علی میرزا دولتشاهی - امیر دولتشاهی - سید یعقوب - ایلیخان - اسدی - اقبال - رحیم زاده - بالزی - میرزا باس - اسکندری - دربانی طباطبائی دیبا - کفائی - دکتر لقمان - مؤید احمدی ملک زاده - بزرگ نیا - فتوحی - حسنعلی میرزا دولتشاهی ایزدی - مولوی - عباس میرزا - کاشانی - ظهیری - جلالی حاج میرزا حبیب الله امین - مسودی - باسائی - نجوی احتشامزاده - کیا نوری - دیوان بیگی - سید مرتضی وثوق - فرخی - اعتبار - رفیع - لاریجانی - بیات - بنکدار - ساکیدیان - بوشهری - ملک مدنی - مسعود صادقی - دستانی - فرمند - کیخسرو شاهرخ

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به تقاضای اعتبار برای نظمیته مطرح است قرائت میشود
(مضمون ذیل قرائت شد)

که هیچ غایباً در بیان ندیده شده که زود خورد هم میکنند و ذایع بیچاره را ناقص میکنند

با این وضعیت بنده عقیده ام این است که اگر هزار قسم از این زمینها هم بشود باز جلو گیری نخواهد شد فرقی با یک سکهائی را هم ما آوردیم و این ها هم یک کشفیائی کردند ما نکاشفات آدمها چه ترکیب اثری میدهم که بعدها نکاشفات سکه ها بدیم از این جهت بنده عقیده باین مخارج ندارم چندی قبل بود که یک مبلغ کزافی بنظمیه اعتبار دادیم برای ساختمان مجلس اگر بنا باشد که بنظمیه امور مجلس ها را مرتب و منظم کند و جا و منزل و خوراک خوب برای سارقین تهیه نماید که همه تشویق بدزدی میشوند مقصود از عیب مجازات شخص خائن است بشومی که کس دیگر خیانت نکند بنای مجلس برای آسایش و راحی اشخاص نیست و الا اگر بنا شود این ترکیب معمول و مجری گردد این زحم به کرک و ظلم به گرفتار خواهد بود در اینصورت گمان میکنم مردم رو به آسایش و راحی بروند پس باید بگذرد مجازات شدید در کار باشد و یک قدری هم قوانین مذهبی خود مانع اجرا شود تا دزد ها سر جای خود شان بنشینند ملاحظه بفرمائید در آمریکا بدون اجرای قوانین سخت وضعیات درست نشد همه روزه بانکها را در آنجا سرقت میکنند و دزدها در تاشا خانهای عمومی میروند و سرقت میکنند این برای این است که در آنجا ها مجازات سخت در کار نیست اگر تمام دنیا بناشان به رفت بر خائن باشد به عقیده بنده بر تمام دنیا بد خواهد گذشت به خائن و دزد نباید رحم کرد زیرا اگر زحم شود ظلم بدبگراست است بنده عقیده ام این است که اگر وقتی دزدی گرفتار شد حقیقتاً مجازات شود نه اینکه اگر آزادی در بین راه باو گفت تند برو برو شکایت کند که آقای آژان من توهین کرد و گفت مثلثاند برو هر قدر ما مجسها را تمیز بکنم و با کیزه تر نگاهداریم سرقت زیاد تر واقع میشود باین ملاحظات بنده با این مخارج مخالفم

وزیر مالیه - بنده نمیخواهم وارد جواب فرمایشات

آقای فیروز آبادی بشوم اجل را م که آقا همیشه تقیبنیه میفرمایند در مخالفت با این اقدام خرج یک اجل است که برای همه ما ها روشن است ولی یک تذکری را بنده باچارم خدمت ایشان عرض کنم و آن این است بهمان اندازه که تنقید و انتقاد و مخالفت با یک روبره و سلیقه پسندیده است بهمان اندازه هم توهین و اهانت بهر لباس و با هر طبعی هم که باشد خواه بعنوان شوخی خواه جدی مذموم است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) مستخدمین دولت خدمتگذار این مردم و مملکتند و احترامات آنها در حدود خودشان باسقی همیشه ملحوظ گردد و آن مرکزی که باید این احترامات را منظور و رعایت کند اول مرکزش مجلس شورای ملی است که سمت نمایندگی از طرف ملت دارد و عموم مستخدمین دولت مستقیم و غیر مستقیم در مقابل او مسؤلیت دارند این مرکز که مجلس شورای ملی است اگر کسی در خدمت خودش قصور کند باید از او باز خواست کند ولی توهین نباید کرد

اما در موضوع اینکه باسقی مجازات شوند این قضیه تا یک اندازه نامین شده و اقداماتی که از طرف مجلس شورای ملی و دولت بعمل آمده و قوانین که همه روزه وضع میشود مبنی بر تشدید مجازات سارقین است به عقیده بنده این فرمایش آقا یک نوع عدم قدر شناسی است زیرا بیش از این که شده دیگر ممکن نیست از طرف دولت و وزارت عدلیه و مجلس شورای ملی سعی و عمل در راه تشدید مجازات و جلوگیری از عمل بد که موجب رنج باشد بشود

اما در موضوع اینکه وسائل کار چه چیز است در این جا یک اختلاف سلیقه است ما یک عده هستیم که عقیده مان این است باید رو به جلو رفت و بهر وسیله که بهتر از آن تجربه و نتیجه گرفته شده و موجب اعتماد عمومی است و همه از آن در نتیجه امتحان و تجربه خواه در تشدید مجازات خواه در وسائل کشف فائده برده اند متوسل شد و اقدام کرد حالا در این قسمت اگر آقا یا بنده هم سلیقه بیاشند باسقی ندارم

فیروز آبادی - اجازه میفرمایند بنده یک توضیحی عرض کنم

رئیس - آقای محمود رضا

محمود رضا - عرضی ندارم

فیروز آبادی - چون در عرض بنده سوء تعبیر شده اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم

رئیس - می خواهید از آن ماده که اگر حرفتان بر خلاف نیتتان تفسیر شده استفاده کنید و توضیح بدهید

فیروز آبادی - بله

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده خدا را شاهد میگیرم که عرض توهین باحادی نداشته و ندارم و بر عکس عقیده دارم که خیلی خوب کار می کنند بلکه کمال تشکر را هم از عموم کارکنان صحیح دارم بخصوص کارکنان نظمی که حقیقتاً نمیشود خدمات آنها را منکر شد و اگر خدای نخواسته بنده هم بخوام قبول و اعتراف کنم وجدان مردم خودش قضاوت خواهد کرد

من گفتم ما محتاج نیستیم و احتیاجی باین مخارج نداریم با این حال نمیدانم چرا آقای وزیر مالیه بمن فرمودند توهین کردی بنده بکسی توهین نکردم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مخبر - در این جا باید «سک معلم» نوشته شود

رئیس - رای میگیریم ماده واحده با ورقه موافقین ورقه سفید خواهند داد

(در این وقت اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۷۷ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین نود و شش ماده واحده اعتبار نظمی با هفتاد و هفت رای تصویب شد

اسامی رای دهندگان

آقایان: فرهنگند - حکمت - اسکندری - کفائی - شریعت زاده - بوشهری - محمد ولیمیرزا - خواجوی - جهان شاهی - ملک مدانی - مفتی - ظفری - فرشی - فهیمی - بزرگ نیا - ما کوئی - اسدی - خطیبی - درانی - عباس میرزا - وهاب زاده - لاریجانی - کیخسرو شاهرخ - مولوی اقبال - رهبری - شرفی - طاهری - دبستانی - دهستانی - جلالی - باستانی - شیخ محمد جواد - کاشانی - رفیع - هزارجریبی - افخمی - ایلخان - اسفندیاری - قراگوزلو سید کاظم یزدی - ضیاء - ساکنیان - مسعود - فرخی - پور محسن - حاج میرزا حبیب الله امین - بنکدار - زوار - طباطبائی دیبا - نجومی - پالیزی - علیخان اعظم - میرزا یاس - محمد علمیرزا دولتشاهی - سید بمقوب - طلوع - امیر دولتشاهی - ایزدی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - دکتر سنک - مؤید احمدی - کیا نوری - ملک آرائی - طهرانی - ناصری - احتشام زاده مسعودی - افسر - شهداد - ملک زاده - فتوحی دکتر لقمان - صادقی - قاضی نوری - فاطمی - اعتبار

رئیس - فعلاً چیزی در دستور نداریم اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه آتی پنجشنبه نوزدهم اردی بهشت دستور نظامنامه داخلی مجلس

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

قانون

پانزده هزار تومان اعتبار برای تهیه اثاثیه محاسن مرکز و ولایات از خزانه سلك معلم

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود مبلغ پانزده هزار تومان از صرفه جوئیهای ۱۳۰۷
تظمیله برای مصارف ذیل در وجه اداره نظمیله بپردازد
(ا) برای خرید سلك معلم و مخارج مستدیان آن (۵۰۰۰۰ تومان)
(ب) برای تدارك اثاثیه محاسن مراکز (۵۰۰۰۰ تومان)
(ج) برای تدارك اثاثیه محاسن ولایات (۵۰۰۰۰ تومان)
جمع ۱۵۰۰۰۰ تومان

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه پانزدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هشت شمسی
بموجب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه پرداخت دیونست و چهل هزار تومان در وجه بلدیله طهران برای خیابان سازی
ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود که از محل عوائد تمدد نشده و صرفه جوئیهای بودجه
۱۳۰۷ ملکی مبلغ دیونست و چهل هزار تومان (۲۴۰۰۰۰۰۰ قران) برای خیابان سازی طهران در وجه بلدیله
طهران پرداخت نماید
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه پانزدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هشت شمسی
بموجب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تمدید کترات مسیو ماریو رویدا متخصص کاغذ سازی برای مدت یکماه و نیم
ماده واحده - مجلس شورای ملی بادراره مباشرت اجازه میدهد که قرار داد استخدام مسیو ماریو رویدا
متخصص کاغذ سازی را از تاریخ بدست و پنجم فروردین ۱۳۰۸ بمدت یکماه و نیم بمبلغ هفتصد و پنجاه تومان
با رعایت تمام مقررات قرار داد سابق مشار الیه (باستثنای مخارج مراجعت که پرداخته شده است) امتداد داده و
مبلغ مذکور را از محل سرمایه کاغذ سازی تأدیه نماید
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه پانزدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و هشت شمسی بموجب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر